

چگونگی تعامل قرآن با علوم جدید

سید محمد عارف حسینی (ملک‌زاده)^۱

چکیده

یکی از ویژگی‌های دوران معاصر توجه خاص به علوم جدید است که بیشتر از راه تجربه به دست می‌آید، با توجه به این ویژگی دین اسلام که طبق فرمایش خداوند در قرآن بهترین دین است، با علوم جدید چگونه تعامل دارد. این مقاله درصدد این است که قرآن نیز به صورت کلی در این موضوعات به صورت کلی پرداخته به عبارت دیگر بحث آر رابطه علم و دین که از سرزمین غرب سرچشمه گرفته است در بین اندیشمندان مسلمان مطرح شد است ولی تتمه که اندیشمندان مسلمان از این بحث گرفتند غیر از نتیجه بود که اندیشمندان غرب از آن به دست آوردن دوما در این مقاله این مسئله را به صورت علمی- پژوهشی در چند موضوع نشان می‌دهیم ۱. قرآن و خلقت آسمان و زمین ۲. قرآن و خلقت انسان. ۳. قرآن و رسانه‌های نوین (با تأکید بر رسانه‌های رادیو، تلویزیون، سینما) نتیجه اینکه در این مقاله به صورت تطبیقی و علوم جدید پرداخته شده و به دست آمده است که علوم جدید در این مسائل تأیید شده نه تنها ضدیت با دین وجود ندارد بلکه اعجاز علمی قرآن را تأیید نموده است و نشان داده شده که این موضوع در آیات متعدد و در موضوعات متعدد قرآن پرداخته است.

کلید واژه‌ها: علوم جدید، قرآن و خلقت انسان، خلقت آسمان و زمین، قرآن و رسانه‌های نوین (رادیو، تلویزیون، سینما)

۱. کارشناسی ارشد فلسفه جامعه المصطفی العالمیه مشهد مقدس /

مقدمه

یکی از مباحث پرکاربرد در عصر حاضر رابطه علم و دین است، اندیشمندان در این زمینه مباحث پردامنه را مطرح کرده‌اند. سرآغاز جدایی علم و دین از جایی به وجود که اندیشمندان نظریات کیهان‌شناسی خود را مطرح نمودند که ظاهراً با آموزه‌های کلیسا در تعارض بود (اما نزاع علم و دین در غرب را از محاکمه گالیله در قرن شانزدهم می‌دانند اما به لحاظ تاریخی سرآغاز این منازعه را باید قبل از این جست)، (قائمی نیک، ۱۳۸۸، ص ۹۷) ویل می‌نویسد که (تفسیر داروین از انسان و تنزلی مقامی که از کیهان‌شناسی کپرنیک برای انسان غربی آغاز شد بود به‌حداعلای خود رساند که تابش از کپرنیک در مرکز عالم قرار داشت، اکنون صورت تکامل یافته‌ای از موجودات پست‌تر معرفی می‌گردید) (قائمی نیک، ۱۳۸۸، ص ۹۹).

ضدیت با دین از قرن شانزدهم شروع شد و تا نیمه دوم قرن بیستم ادامه داشته و از این به بعد دانشمندان به‌جای ضدیت و دشمنی با دین که حتی دین را اقیون برای انسان می‌دانستند تعامل با دین را مطرح کردند. برای حل ضدیت علم و دین اندیشمندان غربی راحل‌های مختلف را برگزیدند (در فرهنگ مسیحی برای حل تعارض علم و دین رویش‌های را مطرح کردند ۱. حاکمیت مطلق دین بر علم ۲. بی‌معنا تلقی نمودن قضایای دینی ۳. تابعیت دین از علم ۴. جدایی کامل دین از حوزه علم) (ساجدی، ۱۳۸۰، ص ۱۷ تا ۳۰). ولی درعایم اسلام تعارض علم و دین وجود ندارد (زیرا توجه به بستری تاریخی رشد تفکرات کلامی مسیحی نشان می‌دهد که آنچه فلاسفه دین و متکلمان مسیحی را بر آن داشته است تا چنین مواضعی اتخاذ کند و بدین راحل‌ها توسل جوید تعارضات جدی تعلم انجیل تورات با علوم تجربی و عقل بشری است. و این تعارضات در قرآن وجود ندارد زیرا قرآن از تحریف مصون مانده است) همان‌همه اندیشمندان اسلامی، هم مسلمان بودند و هم پزشک مثل ابن‌سینا هم متکلم مسلمان هم منجم مثل شیخ طوسی، و..... از این فهمیده می‌شود که تضاد بین علم و دین نمی‌دیدند.

سؤال اصلی، که به ذهنی رسد این است که تعامل قرآن با علوم جدید چگونه تعامل است؟ قبل از اینکه به جواب بپردازیم لازم است که نظریات اندیشمندان را در مورد رویش تفسیر علمی قرآن بدانیم بر این منظور سه رویش ذکر شده است. ۱. همه علوم در قرآن وجود دارد اندیشمندان باید این علوم را به دست آورند (پزشکی، ستاره‌شناسی، علوم ریاضی و...) ۲. نظریات که در علوم تجربی به دست می‌آید برای تأیید آن‌ها از آیات قرآن استفاده کنیم. ۳. رویش سوم که مطرح شده و نظریه جدید است اینکه با نظریات جدید علم و آنچه به‌وسیله استقراء به دست آمده آیات قرآن را تبیین کنیم در این مورد نویسند (رویش تفسیر علمی قرآن دارای گونه‌های و اقسام مختلف است که بر اساس

آن‌ها تعریف‌های متفاوتی از آن ارائه شده است، گاهی با عنوان استخراج علوم از قرآن و گاهی با عنوان تحمیل مطالب علمی از آن یاد شده است. اما مقصود ما در این نوشتار همان استخدام علوم در فهم بهتر آیات قرآن است یعنی منبع علوم تجربی قطعی به عنوان ابزاری برای تفسیر و توضیح اشارات علمی آیات قرآن درآید. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۲، ص ۲۳۸) ما نیز در این نوشتار از این روش پیروی خواهیم کرد.

مفاهیم

۱. تعریف علم

۱.۱. تعریف لغوی علم:

برای بررسی واژه علم مناسب است که به کتب لغت مراجعه کنیم در کتاب قاموس قرآن چنین ذکر کرده است (علم (علم بر وزن فرس) نشانه. علامت. راغب گفته: علم اثر و نشانه‌ایست که شیء با آن معلوم می‌شود مثل علم لشکر و علم طریق (نشانه راه) کوه را بجهت معلوم بودنش علم گفته‌اند جمع آن اعلام است. وَ مِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ سُورَةُ ۳۲. وَ لَهُ الْجَوَارِ الْمُنشآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ یعنی برای خداست نهرهای جاری که در دریا به وجود آمده‌اند و مانند نشانه‌ها و مرزهایند در «بحر» ذیل عنوان نهرهای دریایی مفصلاً توضیح دادیم که مراد از این آیات نهرهای دریایی است به آنجا رجوع شود. علم به لفظ مفرد در قرآن نیامده است) (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص: ۳). معنایی علم در کتاب العین (علم: علم يعلم علما، نقیض جه) (فراهیدی، ۱۴۱۰، ق. ۲، ص: ۱۵۲). مفردات این گونه معنا کرده (علم العِلْمُ: ادراک الشیء بحقیقته، و ذلک ضربان: أحدهما: إدراک ذات الشیء. و الثانی: الحکم علی الشیء به وجود شیء هو موجود له، او نفی شیء هو منفی عنه) (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ق. ص: ۵۸۰) معناهای که در لغت‌نامه‌های فارسی ذکر شده است. (بیرق، پرچم، درفش، رایت، علامت، نشان، مشهور، معروف، نامی، اسم خاص، لغت | حکمت، دانش، معرفت، اطلاع، یقین) (<https://dictionary.abadis.ir/fatofa/>).

۱.۲. تعریف اصطلاحی:

علم معادل فارسی برای واژه Science و knowledge است. واژه Science به معنی اقدام قاعده‌مند در جهت توسعه و سازمان‌دهی هدفمند دانش است که در قالب تفسیرهای قابل آزمایش و پیش‌بینی‌هایی درباره جهان صورت می‌گیرد

fa.wikipedia.org/wiki/ دکتر عبدالکریم سروش برای علم چند تعریف می‌نویسد.

(معنایی اصلی و نخستین علم دانستن در برابر ندانستن است همه دانستن‌ها صرف‌نظر از نوع آن‌ها لذا عالم کسی هست که جاهل نباشد مطابق این معنا اخلاق ، ریاضیات ، فقه ، مذهب ، دستور زبان ، زیست‌شناسی ، و نجوم همه علم‌اند و هرکس یک یا چند مورد را بداند عالم دانسته می‌شوند) (سروش ۱۳۷۹، ص ۰۱)

(کلمه علم در معنای دوم منحصرأً به دانستنی اطلاق می‌شود که تجربه مستقیم حسی در داوری یا گردآوری‌شان دخیل باشد علم در اینجا در مقابل جهل قرار نمی‌گیرد بلکه در برابر همه دانستن‌های قرار می‌گیرد که آزمون‌پذیر نیستند، اخلاق ، متافیزیک، عرفان، منطق، فقه و اصول همه از دایره علم به معنای دوم بیرون هستند و غیرعلمی) (م سروش ۱۳۷۹، ص ۲) حمد حسین گنجی در تعریف علم منویسد.

(علم به معنای مافی الضمیر اندوخته‌های ذهنی عالمان. وقتی به کسی عالم اطلاق می‌کنیم یکی از معانی‌اش آن است که مافی الضمیر او و وضعیت ذهنی او اندوخته آن با جاهل متفاوت است در این کاربرد علم امری شخصی فردی درونی و غیرقابل داوری است.) (گنجی، ۱۳۸۸ ص ۲۳)

با توجه به معنایی که بیان شد برای علم واژه شناسان برای علم دو نوع معنا را در نظر گرفته است.

۱. علم به معنای عام که قابل تطبیق بر هر معنای شود که آن معنا ضد جهل قرار بگیرد. (عقلی، نقلی، تجربی)

۲. علوم یا علم که از راه خاص و با روش خاص به دست آمده باشد که می‌توان این نوع علم را به علوم تجربی قابل تطبیق دانست. این نوع از علم نه تنها در مقابل جهل قرار می‌گیرد که در مقابل همه علوم که از راه غیر تجربی به دست آمده باشد نیز قرار می‌گیرد. مثل فلسفه، فقه، کلام و... آنچه در این مقاله به آن پرداخته می‌شود بررسی تطبیقی قرآن با علوم که از راه تجربه به دست آمده باشد پرداخته است. یکی از موضوعات قابل بررسی نحوه خلقت انسان است.

قرآن و خلقت انسان

ثُمَّ خَلَقْنَا النَّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا
ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ (المؤمنون/۱۴) ترجمه (آن گاه از آن

نطفه، لخته خونی آفریدیم و از آن لخته خون، پاره‌گوشتی و از آن پاره‌گوشت، استخوان‌ها آفریدیم و استخوان‌ها را به گوشت پوشانیدیم بار دیگر او را آفرینشی دیگر دادیم. درخور تعظیم است خداوند، آن بهترین آفرینندگان. آیت‌الله مکارم شیرازی می‌نویسد (یک معجزه علمی است که پرده از روی این مسئله که در آن روز برای هیچ‌کس روشن نبود برمی‌دارد، زیرا قرآن نمی‌گوید: ما مضغه را تبدیل به استخوان و گوشت کردیم، بلکه می‌گوید: ما مضغه را تبدیل به استخوان کردیم و بر استخوان‌ها لباس گوشت پوشاندیم، اشاره به اینکه مضغه نخست تبدیل به استخوان می‌شود و بعد از آن گوشت روی آن را می‌پوشاند) (بابایی ۱۳۸۲ ج ۳ ص ۲۴۴).

خداوند در سوره حج مفرماید (یا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِّن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِّن عِلْقَةٍ ثُمَّ مِّن مُّضْغٍ مُّخْلَقَةٍ وَغَيْرِ مُخْلَقَةٍ لِّنُبِّئَنَّ لَكُمْ وَنَقَرُ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ وَ مِّنْكُمْ مَّن يَتُوفَىٰ وَ مِّنْكُمْ مَّن يَرُدُّ إِلَىٰ أَرْدَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِن بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا وَ تَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَ رَبَّتْ وَ أَنتَبَتْ مِّنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ (الحج ۵) ترجمه (ای مردم، اگر از روز رستاخیز در تردید هستید، ما شمارا از خاک و سپس از نطفه، آنگاه از لخته‌خونی و سپس از پاره‌گوشتی گاه تمام آفریده گاه ناتمام، بیافریده‌ایم، تا قدرت خود را برایتان آشکار کنیم. و تا زمانی معین هر چه را خواهیم در رحم‌ها نگه می‌داریم. آنگاه شمارا که کودکی هستید بیرون می‌آوریم تا به حد زورمندی خود رسید. بعضی از شما می‌میرند و بعضی به سالخوردگی برده می‌شوند تا آنگاه که هر چه آموخته‌اند فراموش کنند. و تو زمین را فسرده می‌بینی. چون باران بر آن بفرستیم، در اهتزاز آید و نمو کند و از هرگونه گیاه بهجت‌انگیز برویان. در سوره غار فر می‌فرماید (تو الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِّن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِّن عِلْقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا شُيُوخًا وَ مِّنْكُمْ مَّن يَتُوفَىٰ مِنْ قَبْلِ وَ لَتَبْلُغُوا أَجْلًا مُّسَمًّى وَ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ) (غافر/۶۷) ترجمه: اوست آن خدایی که شمارا از خاک، سپس از نطفه، سپس از لخته خونی بیافریده است. آنگاه شمارا که کودکی بودید از رحم مادر آورد تا به سن جوانی برسید و پیر شوید. بعضی از شما پیش از پیری بمیرید و بعضی به آن زمان معین می‌رسید و شاید به عقل دریایی.

در مورد خلقت انسان آیات دیگری نیز وجود دارد که از آوردن آن‌ها صرف‌نظر نموده و به تحلیل آیات ذکر شده می‌پردازیم.

تحلیل و بررسی: مراحل تکامل جنین در منابع پزشکی.

دکتر قاسم ساکی می‌نویسد (این تقسیم‌بندی مراحل تکامل جنین در منابع پزشکی تفاوت دارد با آنچه در قرآن ذکر شده ولی این تقسیم‌بندی قرآن از دقت و ارزش علمی

بالای برخوردار است) (ساکی. ۱۳۹۳. ص ۱۲) (نطفه در زبان عربی درس معنا بکار گرفته شده می‌شود. ۱. اشاره به تخمک لقاح یافته ۲. اشاره به اسپرم جنس نر ۳. اشاره به اوویست جنس ماده) (ساکی. ۱۳۹۳ ص ۱۴) (منظور از نطفه آمیختگی و ترکیب دو سلول جنس نر اسپرم و جنس ماده اوویست که در علم جنین‌شناسی تحت عنوان لقاح نام‌گذاری شده است) (ساکی. ۱۳۹۳ ص ۱۸) این معنا را آیه ۱۳ از سوره حجرات نیز تأیید می‌کند که در آنجا خلقت انسان را از یک مرد وزن متذکر می‌شود. (یکی از معانی نطفه دلالت بر اسپرم مرد دارد آیه ۴۵ و ۴۶ از سوره نجم به این معنا دلالت دارد که با توجه به این آیات به دست می‌آید که اسپرم مرد تعیین‌کننده جنسیت نوزاد جنین خواهد شد) (ساکی. ۱۳۹۳ ص ۲۸) خداوند در سوره نجم مفرماید (وَ أَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَيْنَ الذَّكَرَ وَ الْأُنثَىٰ (۴۵) مِنْ نُطْفَةٍ إِذَا تُمْنَىٰ (۴۶) ترجمه: و اوست که جفت‌های نر و ماده را آفریده است، (۴۵) از نطفه، آنگاه که در رحم ریخته می‌شود ۴۶ شاید آیه به این معنا اشاره دارد که کروموزوم Y.X جفت نر و ماده است.

چگونگی تعیین جنسیت در علم پزشکی. علم پزشکی رویش انجام می‌دهد به این صورت که با آزمایش‌هایی که روی زن و مرد انجام داده است به دست آورده است که منی مرد تشکیل شده کروموزوم بنام X.Y ولی در زن نوع X وجود دارد اگر لقاح مرد وزن هردو از نوع XX باشد نوزاد مؤنث خواهد بود ولی اگر لقاح از ترکیب XY باشد نوزاد مذکر خواهد بود. با توجه به آیات که در مورد خلقت انسان ذکر شده معلوم می‌شود که در زمان نزول قرآن خداوند به بهترین وجه خلقت انسان را بیان کرده و این از نشانه‌های اعجاز علمی قرآن است. به عبارت بهتر اینکه ازدواج مرد وزن باعث تولد نوزاد می‌شود این شکل‌گیری نوزاد یا همان جنین نیز از یک جفت به وجود می‌آید (XX) در مورد نوزاد دختر (XY) در مورد نوزاد پسر. (رییس انجمن باروری و ناباروری ایران، ضمن تأکید بر این که تعیین جنسیت فرزند از طریق تجویز رژیم‌های غذایی از سوی برخی پزشکان اساس علمی ندارد، گفت: شانس در تعیین جنسیت فرزند به طور طبیعی به میزان بالای دخالت دارد.

دکتر ابراهیم پارسائزاد در گفت‌وگو با ایسنا، ادامه داد: کروموزوم در زنان به صورت XX و در مردان XY است.

وی در پاسخ به این پرسش که زن تعیین‌کننده جنسیت است یا مرد، گفت: برخلاف تصور همگان باید گفت تعیین‌کننده جنسیت مردان هستند. اگر مردی همسر خود را به این بهانه که به اصطلاح عامیانه «دختر زاست» طلاق و همسر دیگری را برای پسردار شدن انتخاب می‌کند در اشتباه محض است چرا که مشکل از جانب زن نیست و مردها

هستند که ممکن است کروموزوم Y در آنها فعال باشد یا نباشد.) (سایت عصرایران، مردان تعیین کننده جنسیت هستند، دکتر ابراهیم پارسائزاد)

قرآن و خلقت زمین و آسمان.

مورد دوم که قرآن به آن اشاره نموده است نحوه خلقت آسمان و زمین است خداوند مفرماید (إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ) (الاعراف/۵۴). ترجمه: پروردگار شما الله است که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید. پس به عرش پرداخت. شب را در روز می‌پوشاند و روز شتابان آن را می‌طلبد. و آفتاب و ماه و ستارگان مسخر فرمان او هستند. آگاه باشید که او راست آفرینش و فرمانروایی. خدا آن پروردگار جهانیان به غایت بزرگ است. توضیح: نکات در آیه.

۱. خلقت آسمان و زمین در شش روز یا شش دوره.
۲. خدانشناسی در آیه و بیان کردن نشانه‌های خدانشناسی مثل گردش شب و روز.
۳. تبیین اعجاز علمی قرآن که هما این موجودات از یک نوع شعور برخوردار است زیرا هیچ وقت نظم آنها در حالت گردش از بین نمی‌رود.

هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (الحديد/۴) ترجمه: اوست که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید. سپس به عرش پرداخت. هر چه را در زمین فرورود و هر چه را از زمین بیرون آید و هر چه را از آسمان فروآید و هر چه را در آسمان بالا رود، می‌داند. و هر جا که باشید همراه شماست و به هر کاری که می‌کنید بیناست. توضیح: نکات در آیه.

۱. آفریدن آسمان و زمین در شش روز یا شش دوره.
۲. یادآوری روز معاد و رستاخیز در زمین فرورفتن و از زمین بیرون آمدن.
۳. عالم و ناظر بودن خداوند در همه افعال انسانها.

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (يونس/۳) .
ترجمه: پروردگار شما الله است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز بیافرید سپس به عرش پرداخت ترتیب کارها را از روی تدبیر بداد. جز به رخصت او شفاعت کننده‌ای نباشد. این است الله پروردگار شما. او را بپرستید. چرا پند نمی‌گیرید.
توضیح: نکات آیه.

۱. آفرینش آسمان و زمین در شش روز یا شش دوره.
۲. خلقت آسمان و زمین از روی تدبیر است.
۳. عبرت‌آموزی از این نشانه‌های خداشناسی که در خلقت زمین و آسمان وجود دارد.

آیات دیگری نیز در این زمینه وجود دارد ما در اینجا به‌عنوان نمونه آیات را ذکر نمودیم. لذا به تحلیل این آیات می‌پردازیم.

تحلیل و بررسی: نحوه به وجود آمدن زمین و آسمان.

آیت‌الله مکارم شیرازی در مورد تفسیر این آیات چنین نتیجه‌گیری میکند. (از مجموع بحث فوق چنین نتیجه می‌گیریم که خداوند مجموعه زمین و آسمان را در شش دوران متوالی آفریده است، هرچند این دوران‌ها گاهی به میلیون‌ها یا میلیارد‌ها سال بالغ شده است و علم امروز هیچگونه مطلبی را که مخالف این موضوع باشد بیان نکرده است.

این دوره‌های شش‌گانه محتملاً به ترتیب ذیل بوده است:

- ۱- روزی که همه جهان به صورت توده گازی شکلی بود که با گردش به دور خود از هم جدا گردید و کرات را تشکیل داد.
- ۲- این کرات تدریجاً به صورت توده مذاب و نورانی و یا سرد و قابل سکونت درآمدند.
- ۳- روز دیگر منظومه شمسی تشکیل یافت و زمین از خورشید جدا شد.
- ۴- روز دیگر زمین سرد و آماده حیات گردید.
- ۵- سپس گیاهان و درختان در زمین آشکار شدند.
- ۶- سرانجام حیوانات و انسان در روی زمین ظاهر گشتند.

آنچه درباره دوره‌های شش‌گانه آفرینش آسمان و زمین در بالا گفتیم با آیات ۸ تا ۱۱ سوره فصلت قابل تطبیق است) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۲۰۲) آیات سوره فصلت.))

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ (۸) قُلْ أِنَّكُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ أَندَاداً ذَلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ (۹) وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِي مِّنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلسَّائِلِينَ (۱۰) ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعاً أَوْ كَرْهاً قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ (۱۱) (فصلت/۸ تا ۱۱)

ترجمه: آنان را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته می‌کنند، پاداشی است تمام ناشدنی. (۸) بگو: آیا به کسی که زمین را در دو روز آفریده است کافر می‌شوید و برای او همتایان قرار می‌دهید؟ اوست پروردگار جهانیان. (۹) بر روی زمین کوه‌ها پدید آورد و آنرا پربرکت ساخت و رزق همه را معین کرد، در چهار روز یکسان برای همه سائلان. (۱۰) سپس به آسمان پرداخت و آن دودی بود. پس به آسمان و زمین گفت: خواه یا نا خواه بیایید. گفتند: فرمان بردار آمدیم. (۱۱)

قرآن و رسانه‌ها (تلویزیون، سینما، رادیو)

در این بخش که رابطه قرآن با علم رسانه بررسی می‌شود چون بحث ما منحصر به رسانه‌های صوتی و تصویری است نه بحث از فضای مجازی یا رسانه‌های مکتوب مثل روزنامه‌ها، کتب، مجلات و... لذا در اینجا ما در دو قسمت بحث خواهیم کرد.

الف: قرآن و رسانه‌های تصویری (تلویزیون، سینما)

نکته اول: تعریف رسانه، برای رسانه تعاریف گوناگون شده است که به چند نمونه آن در اینجا بسنده می‌شود.

رسانه‌ها ابزارها یا فناوری‌ای برای انتشار پیام هستند، معمولاً به رسانه‌های چاپی، (روزنامه، کتاب، مجلات) یا الکترونیکی (رادیو، تلویزیون، سینما) اینترنت تقسیم می‌شود. (پاتر، ترجمه لیدا کاووسی، ص ۸).

سواد رسانه‌ای (media-literacy) درک مبتنی بر مهارت است که می‌توان بر اساس آن انواع رسانه را از یکدیگر تمیز داد و انواع تولیدات رسانه‌ای را از یکدیگر تفکیک کرد (شهوند پور، سالار کیا، ۱۳۹۳، ص ۵۵)

تعریف دیگری که برای رسانه شده این است (رسانه به معنی هر وسیله‌ای که انتقال‌دهنده فرهنگ‌ها و افکار عدی‌ای باشد و اکنون آنچه مصداق این تعریف است وسایلی همانند. روزنامه، مجلات، رادیو، تلویزیون، ماهواره، اینترنت، صفحات نوری، ویدئو، و... است در این تعریف باید اضافه کرد رسانه وسیله‌ای است که نقش حامل اطلاعات و پیام‌های از پیش طراحی شده را ایفا می‌کند و واسطه است بین انتقال‌دهنده

و گیرنده پیام که در طول زمان دچار تحول و پیشرفت گردیده است.) (احمدزاده کرمانی، ۱۳۹۰، ص ۱۵۵)

در این تعاریف دو نوع تعریف هست یکی تعریف خود رسانه که همان ابزار و وسیله انتقال پیام هست دوم تعریف سواد رسانه‌ای که پیام‌ها چگونه و با چه کیفیت این پیام‌ها ارسال می‌شود که نتیجه این نوع انتقال نوع ابزار را مشخص می‌کند به‌عنوان مثال نحوه انتقال پیام در متن نوشتاری حروف است، در عکس تصویر ثابت که به‌وسیله ابزار دوربین منتقل می‌شود در تصویر متحرک دوربین که قابلیت تصویربرداری متحرک را دارد. و در مجموع همه این‌ها وسیله انتقال پیام هست. یکی از این ابزارها تلویزیون است.

نکته دوم: اهمیت تلویزیون.

۱. امام خمینی (تلویزیون از تمام رسانه‌هایی که هست حساس‌تر است. رادیو تلویزیون می‌تواند یک مملکت را اصلاح کند و می‌تواند به فساد بکشد. این را نه روزنامه می‌تواند، نه سینما می‌تواند، نه تئاتر می‌تواند، نه تبلیغات لفظی که در منابر است می‌تواند؛ برای اینکه این‌ها همه شعاعشان محدود است. رادیو شعاعش مثل تلویزیون است، لکن فقط سمعی است. تلویزیون هم سمع است و هم بصر. تبلیغات تلویزیون می‌تواند از راه سمع مردم را یا تربیت کند؛ یا اینکه منهدم کند) (امام خمینی، ۱۳۸۷، ص ۳۰۹).

۲. مقام معظم رهبری: اصل اساسی در باب اداره رادیو و تلویزیون این هدف‌هاست: «رادیو و تلویزیون اصلاً برای ساختن انسان ناب اسلام و انقلاب است و غیر از این نیست، یعنی هیچ هدفی فراتر و بالاتر از این هدف وجود ندارد... (بیانات در دیدار با اعضای گروه تاریخ رادیو، ۷/۱۱/۷۰) صداوسیما باید کوشش کند که مردم متدین بشوند و یکی از وظایفی که آقایان باید واقعاً به آن توجه داشته باشند این است که متدین ساز باشند یعنی کاری بکنند که شنونده یا بیننده بر اثر صحبت آنان حقیقتاً به صورت عمومی متدین بشود... (بیانات در دیدار با مسئولان صداوسیما، ۷/۵/۶۹) (سایت. شورای نظارت بر صداوسیما. تاریخ انتشار در سایت. ۲۳ مرداد ۱۳۹۲)

۳. بعضی از کارشناسان می‌نویسند (آمار و ارقام مربوط به استفاده کودکان از تلویزیون بیانگر این است که در سه‌سالگی از هر سه کودک یک نفر، در پنج‌سالگی از هر پنج کودک چهار نفر و در کلاس اول از هر ده کودک نه نفر تلویزیون تماشا می‌کنند. در سال اول تحصیل زمان متوسطی که یک کودک صرف تماشایی تلویزیون می‌کند دو ساعت در روز است از این سال‌ها به بعد مقدار فوق در کلاس ششم و هفتم به اوج سه تا چهار ساعت می‌رسد.) (اسماعیل شاندیز، ۱۳۸۱، ص ۳۰).

توصیف حق و باطل در کلام امیرالمؤمنین با توجه به دیدن و شنیدن. در کلام امیرالمؤمنین چنین توصیف شده است (فی النهی عن سماع الغیبه و فی الفرق بین الحق و الباط

۴. أَيْهَا النَّاسُ مَنْ عَرَفَ مِنْ أُخِيهِ وَثِقَةً دِينَ وَ سَدَادَ طَرِيقٍ فَلَا يَسْمَعَنَّ فِيهِ أَقَاوِيلَ الرَّجَالِ، أَمَا إِنَّهُ قَدْ يَرْمِي الرَّامِيَ وَ تَخْطِي السَّهَامُ وَ يُحِيلُ الْكَلَامُ وَ بَاطِلٌ ذَلِكَ يَبُورُ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ وَ شَهِيدٌ. أَمَا إِنَّهُ لَيْسَ بَيْنَ الْحَقِّ وَ الْبَاطِلِ إِلَّا أَرْبَعُ أَصَابِعَ.

۵. فسئل (عليه السلام) عن معنى قوله هذا، فجمع أصابعه و وضعها بين أذنه و عينه ثم قال: الباطل أن تقول سمعت، و الحق أن تقول رأيت. (سید رضی ره. نهج البلاغه خطبه ۱۴۱).

اهمیت بینایی و شنوایی در قرآن.

خداوند در قرآن در آیات متعدد به انسان دستور می‌دهد که برای شناخت از ابزار دیدن و شنیدن استفاده کند به‌عنوان نمونه به اینجا چند آیه را ذکر می‌کنم. خداوند در سوره اعراف مفرماید. (وَ لَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَ كَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي إِلَيْكَ قَالَ لَنْ تَرَانِي وَ لَكِنِ أَنْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَ خَرَّ مُوسَى صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَ أَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ) (الاعراف/۱۴۳). ترجمه: چون موسی به میعادگاه ما آمد و پروردگارش با او سخن گفت، گفت: ای پروردگار من، بنمای، تا در تو نظر کنم. گفت: هرگز مرا نخواهی دید. به آن کوه بنگر، اگر بر جای خود قرار یافت، تو نیز مرا خواهی دید. چون پروردگارش بر کوه تجلی کرد، کوه را خرد کرد و موسی بی‌هوش بیفتاد. چون به هوش آمد گفت: تو منزهی، به تو بازگشتم و من نخستین مؤمنانم.

توضیح: نکات آیات.

۱. حضرت موسی از خداوند درخواست دیدن می‌کند نه درخواست درک و فهم.
۲. خداوند در پاسخ قدرت خودش را در متلاشی شدن کوه نشان می‌دهند که این خود یک تصویر از کوه است.
۳. حضرت موسی با نگاه به یک تصویر (کوه متلاشی شده) به یقین می‌رسد.

انظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ لِلآخِرَةِ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَ أَكْبَرُ تَفْضِيلًا (الاسراء/۲۱).
ترجمه: بنگر که چگونه بعضی شان را بر بعضی دیگر برتری نهاده‌ایم و در آخرت درجات و برتری‌ها، برتر و بالاتر است.

توضیح: نکات آیه.

۱. امر خداوند به انسان و نگاه کردن برتری بعضی بر بعضی دیگر.
۲. و نتیجه گرفتن از برتری دنیایی در آخرت
۳. با توجه به این دو نکته که هردو نگاه کردن هست انسان زود به یقین می‌رسد.

أ وَ لَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَ أثارُوا الْأَرْضَ وَ عَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَ لَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (الروم/۹). ترجمه: آیا در زمین نمی‌گردند، تا بنگرند که چگونه بوده است عاقبت کسانی که پیش از آن‌ها می‌زیسته‌اند؟ کسانی که توانشان بیشتر بوده است و زمین را به شخم زدن زیرورو کرده و بیشتر از ایشان آبادش ساخته بودند و پیامبرانی با معجزه‌ها بر آن‌ها مبعوث شده بود. خدا به ایشان ستم نمی‌کرد، آنان خود به خویشتن ستم می‌کردند.

توضیح: نکات آیه.

۱. امر خداوند به خواندن تاریخ گذشتگان و نگاه کردن آثار که از آن‌ها باقی مانده است.
۲. عبرت گیری انسان‌ها به وسیله نگاه کردن به آثار باقی مانده و خواندن تاریخ گذشتگان.
۳. نگاه کردن و خواندن هردو به وسیله چشم انجام می‌شود.

أ وَ لَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِنْ شَيْءٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَ لَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا (فاطر/۴۴). ترجمه: آیا در زمین نمی‌گردند تا ببینند که عاقبت مردمی که پیش از آن‌ها بوده‌اند و نیرویی بیشتر داشته‌اند به کجا کشید؟ هیچ چیز در آسمان‌ها و زمین نیست که خدا را ناتوان سازد. زیرا او دانا و تواناست.

توضیح: نکات آیه.

۱. امر به مسافرت در روی زمین و دیدن آثار گذشتگان. قدرتمند.

۲. عبرت گرفتن به علت این مسافرت و دیدن آثار گذشتگان.

أَوْ لَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَ آثَاراً فِي الْأَرْضِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ (غافر/۲۱). ترجمه: آیا در زمین سیر نمی‌کنند تا بنگرند که عاقبت پیشینیان چگونه بوده است؟ توانایی آن‌ها و آثاری که در روی زمین پدید آورده بودند از اینان بیش بود. و خدا آن‌ها را به کیفر کفرشان فروگرفت و از قهر خداوندشان نگاه‌دارنده‌ای نبود.

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَ أَشَدَّ قُوَّةً وَ آثَاراً فِي الْأَرْضِ فَمَا أَعْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (غافر/۸۲). ترجمه: آیا در زمین سیر نکرده‌اند تا بنگرند که عاقبت کسانی که پیش از آن‌ها می‌زیسته‌اند چگونه بوده است؟ مردمی که نیرویشان بیشتر و آثارشان در روی زمین فراوان‌تر بود. پس آن چیزها که به دست می‌آوردند سودشان نبخشید.

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (العنكبوت/۲۰). ترجمه: بگو: در زمین سیر کنید و بنگرید که چگونه خدا موجودات را آفریده. سپس آفرینش بازپسین را پدید می‌آورد. زیرا خداوند بر هر چیزی تواناست.

تَقُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ كَانُوا أَكْثَرَهُمْ مُشْرِكِينَ (روم/۴۲). ترجمه: بگو: در زمین بگردید و بنگرید که عاقبت پیشینیان که بیشتریشان از مشرکان بودند چگونه بوده است.

أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ (۱۷) وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ (۱۸) وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ (۱۹) وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ (۲۰). (غاشیه/۱۷ تا ۱۹). ترجمه: نمونه‌های از این دست آیات که انسان را امر به دیدن می‌کند در قرآن متعدد یافت می‌شد امر به نگاه کردن با واژه‌های متعدد مثل واژه نظر و مشتقات آن، واژه رای، بیصرون. که من از آوردن آیات دیگر خودداری نکنم.

ب: قرآن و صوت (رادیو)

یکی از نعمت خداوند برای انسان نعمت گوش است که از جمله حواس پنج‌گانه انسان نیز است در قرآن نیز سفارش‌های متعدد شده که برای یادگیری و آموزش از آن استفاده کند و در عصر حاضر وسیله ساخته شده که صرفاً از طریق گوش می‌توان از آن استفاده کرد بنام رادیو در این بخش چند نمونه از آیات قرآن آورده می‌شود که انسان امر به شنیدن شده است. خداوند در آیات متعدد امر به شنیدن میفرماید (قَالَ لَا تَخَافُ إِنَّنِي

مَعَكُمْ أَسْمِعْ وَ أَرَى (۴۶/ طه/۴۶). ترجمه: گفت: مترسید. من با شما هستم. می‌شنوم و می‌بینم.

توضیح: نکات آیه.

۱. در این آیه امر به شنیدن و دیدن می‌شویم.

۲. و شاهد ما امر به شنیدن هست.

قُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثُوا لَهُ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَبْصِرْ بِهِ وَ أَسْمِعْ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ أُولَىٰ وَ لَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدٌ (الکهف/۲۶). ترجمه: بگو: خداوند داناتر است که چند سال آرمیدند. غیب آسمان‌ها و زمین از آن اوست. چه بیناست و چه شنواست. جز او دوستی ندارند و کس را در فرمان خود شریک نسازد.

توضیح: نکات آیه.

۱. خداوند مطابق فهم انسان خطاب به انسان مفرماید من بینا و شنوا هستم.

۲. اعمال شمارا من می‌بینم و می‌شنوم.

وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَ رَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَ أَسْمِعُوا قَالُوا سَمِعْنَا وَ عَصَيْنَا وَ أَشْرَبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ قُلْ بِئْسَمَا يَأْمُرُكُمْ بِهِ إِيمَانُكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (بقره/۹۳). ترجمه: و با شما پیمان بستیم و کوه طور را بر فراز سرتان گذاشتیم. اکنون آنچه را که برایتان فرستاده‌ایم با ایمان استوار بگیرید و کلام خدا را بشنوید. گفتند: شنیدیم و به کار نخواهیم بست. بر اثر کفرشان عشق گوساله در دلشان جای گرفت. بگو: اگر بدان چه می‌گویید باور دارید، باورتان شمارا به بدکاری وامی‌دارد.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَ قُولُوا انظُرْنَا وَ أَسْمِعُوا وَ لِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ (بقره/۱۰۴). ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، مگویید «راعنا»، بگویید «انظرنا». و گوش فرادارید که برای کافران عذابی است دردآور.

ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِالشَّهَادَةِ عَلَىٰ وَجْهَيْهَا أَوْ يخَافُوا أَنْ تُرَدَّ أَيْمَانُ بَعْدَ أَيْمَانِهِمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ أَسْمِعُوا وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (مائده/۱۰۸). ترجمه: این شیوه نزدیک‌تر به آن است که هم شهادت را بر وجه خود ادا کنند یا پس از سوگند خوردن از رد سوگندهایشان بترسند. از خدا بترسید. و گوش فرادارید. خدا مردم نافرمان را هدایت نمی‌کند.

فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَ أَسْمِعُوا وَ أَطِيعُوا وَ أَنْفِقُوا خَيْرًا لِّأَنْفُسِكُمْ وَ مَنْ يُوقَ شَحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (التغابن/۱۶). ترجمه: تا توانید از خدا بترسید و گوش فرادارید و

اطاعت کنید و به سود خود از مالتان انفاق کنید. و آنان که از حرص نفس خویش در امان مانده‌اند رستگارند. در این بخش نیز آیات متعدد در قرآن هست که از آوردن آن ما صرف نظر می‌کنیم.

آنچه از مطالعات تطبیقی آیات قرآن و رسانه‌های نوین با توجه به تلویزیون، رادیو، سینما و... به دست می‌آید این است که خداوند تأکید زیادی دارد از حواس (شنیدن، دیدن) برای یادگیری عصری حاضر که عصر انفجار رسانه‌ها است از نوع نوشتاری تا تصویر و صدا انسان‌ها برای یادگیری خود از آن استفاده می‌کند و به حق تصویر و صدا یکی از ابزارها فوق‌العاده برای یادگیری است می‌توان اعجاز علمی قرآن را با این ابزار تبیین نمود.

سؤال: چرا خداوند تأکید زیاد پر استفاده از قوه شنیدن و دیدن دارد؟

جواب: زیرا شنیدن و دیدن چند ویژگی مهم دارد که سایر حواس این ویژگی را ندارد.

۱. اینکه عموم مردم برای یادگیری از این دو ابزار شنیدن و دیدن استفاده می‌کند فرق ندارد تحصیل کرده باشد یا غیر تحصیل کرده ولی هر کدام به اندازه توانشان از این دو ابزار بهره می‌برند (تحصیل کرده، غیر تحصیل کرده)
۲. خطاب خداوند در قرآن عامه مردم است تا عموم مردم به تکامل برست پس سزاوار است که مخاطب استفاده از این دو ابزار عموم مردم باشد نه قشر خاصی.
۳. انسان با دیدن و شنیدن زود به یقین می‌رسد نسبت به استفاده از تفکر و تعقل.
۴. وقتی انسان چیزی را ببیند و بشنود ماندگاری به شتری در ذهن انسان دارد نسبت به سایر ابزارهای یادگیری.

با توجه به این ویژگی‌ها جواب سؤال روشن است و تجربه نیز ثابت کرده که آنچه با ابزار، رادیو، تلویزیون آموزش داده می‌شود تأثیر مستقیم روی افکار جامعه دارد و تأثیر گزاری خود را نشان می‌دهد به عنوان نمونه داستان‌های قرآنی یا دینی که در قالب فیلم یا سریال، پخش می‌شود. ویکی از اهداف اختراع رادیو تلویزیون نیز همین ویژگی‌های آن است.

نتیجه

سؤال اصلی که در مقدمه مطرح شد این بود که تعامل قرآن با علوم جدید چگونه است؟ برای اینکه نتیجه این تحقیق درست تبیین شود و درست جمع‌بندی کرده باشیم لازم است که نکته‌ای را متذکر شوم و آن اینکه یک‌وقت سؤال از این است که آیا قرآن با علوم جدید تعامل دارد در این مورد بحث برمی‌گردد به چگونگی دین با علوم جدید یا چگونگی تعامل دین با علوم جدید ولی تحقیق حاضر بحث از اصل ارتباط قرآن با علوم جدید نمی‌کند بلکه بحث از چگونگی تعامل است به عبارت بهتر فرض ما این است که قرآن با علوم جدید تعامل دارد حالا که تعامل دارد این تعامل چگونه است؟ بحث از چگونگی تعامل است. این بحث برمی‌گردد به اینکه آیا دین اسلام با علوم جدید ارتباط دارد یا نه و در صورت ارتباط چگونه ارتباط دارد؟ چگونگی تعامل قرآن با علوم جدید نیز همان بحث از ارتباط علم و دین است و از طرف دیگر برمی‌گردد به رویش تفسیر علمی قرآن اندیشمندان و مفسرین اسلامی برای تفسیر قرآن سه رویش را مطرح نموده‌اند که در مقدمه به پرداخته شد که اندیشمندان اسلامی سه رویش را مطرح نموده است. لذا به صورت خلاصه آن سه روش این بود ۱. تمام علوم در قرآن است و ما باید و آنرا کشف کنیم. ۲. نظریات جدید علمی که به وجود می‌آید برای تأیید آن از آیات قرآن استفاده کنیم. ۳. با نظریات جدید علمی آیات قرآن را تبیین کنیم و توضیح دهیم که این رویش منطقی‌تر به نظر می‌رسد. لذا به سه موضوع که در این نوشتار آمده است به آن اشاره کردیم که چگونه می‌شود آن آیات را با نظریات قطعی علم تبیین نمود که به آن مختصر اشاره می‌کنم.

۱. نحوه خلقت انسان و مراحل رشد نطفه با توجه به نظریات جنین‌شناسی پزشکی.
۲. نحوه خلقت آسمان و زمین و نظریات علمی خلقت زمین و آسمان که از گاز به وجود آمده و در سوره فصلت خداوند مفرماید از دود آفریده شده است.
۳. قرآن و رسانه‌های نوین (رادیو، تلویزیون، سینما) لازم میدانم که این مورد را بیشتر توضیح دهم با اینکه نتیجه‌گیری دریایان بخش این موضوع انجام شد. عصر حاضر که عصر انفجار رسانه‌ها بخصوص رسانه‌های تصویری و شنیداری و بشر امروز که بیش از ۹۰ درصد اطلاعات خود را از آن به دست می‌آورد و مؤسسات بزرگ که مشغول برنامه‌سازی در این مؤسسات و شرکت‌ها است بیش از پیش می‌توان آیات قرآن که امر به شنیدن و دیدن می‌کند توضیح داد و تبیین نمود. مکاتب مختلف چه

الهی یا غیر الهی از این ابزار استفاده می‌کنند و جهان را به نفع خودشان تغییر می‌دهند.

۴. در پایان با این رویش نه تنها تعامل محکم با علم دارد که انسان را امر به استفاده از علوم جدید می‌کند. مثل امر به دیدن و شنیدن، تفکر به نحوه و مراحل رشد جنین و....

نکته: با توجه به آیات قرآن حکیم که ما مسلمانان را امریه دیدن و شنیدن می‌کند تا چه اندازه با ابزار رسانه داشته و از آن بحث ایم؟

منابع و مأخذ:

قرآن

❖ سید رضی. والحسن محمد بن الحسین بن موسی. ۱۳۹۰. نهج بلاغه. دفتر نشر معارف. قم.

❖ نظریه‌ها و آرا در باب نسبیت علم و دین، محمدرضا قائمی نیک، راهبرد فرهنگ/شماره ششم/تابستان ۱۳۸۸.

❖ <https://dictionary.abadis.ir/fatofa/>

❖ fa.wikipedia.org/wiki/

❖ سروش عبدالکریم. ۱۳۷۹. علم چیست؟ فلسفه چیست؟. مؤسسه فرهنگی صراط، تهران.

❖ گنجی. محمدحسین. ۱۳۸۸. سمت. کلیات فلسفه، قم.

❖ بابایی احمدعلی. ۱۳۸۲. برگزیده تفسیر نمونه پانزدهم دارالکتب الاسلامیه تهران.

❖ مکارم شیرازی. ناصر. ۱۳۷۴. تفسیر نمونه. پانزدهم. دارالکتب الاسلامیه. تهران.

- ❖ امام خمینی روح‌الله ۱۳۸۷. آیین انقلاب اسلامی: گزیده‌ای از اندیشه و آرای. موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
- ❖ فرهنگ و تهاجم فرهنگی، www.hawzah.net
- ❖ رویش‌های حل تعارض علم و دین. ابوالفضل ساجدی. معرفت. اسفند ۱۳۸۰ شماره ۵۱
- ❖ قرشی. سید علی اکبر. ۱۳۷۱. قاموس قرآن. الإسلامیه. تهران. پانزدهم.
- ❖ فراهیدی خلیل بن احمد. ۱۴۱۰ ق. العین انتشارات. هجرت.
- ❖ راغب اصفهانی حسین بن محمد. ۱۴۱۲ ق. المفردات فی غریب القرآن، دارالعلم الدار الشامیه. دمشق. بیروت.
- ❖ ساکی. دکتر قاسم، ۱۳۹۳. انتشارات خسروی. جنین شناسی پزشکی با استناد به آیات قرآن و روایات، تهران.
- ❖ تعریف سواد رسانه‌ای، پاترجمیز، ترجمه لیدا کاووسی. رسانه، سال هفدهم، شماره ۴.
- ❖ قرآن و سواد رسانه‌ای با تأکید به خبر و خبرنگاری. شهوند پور راضیه سالار کیا، حمیدرضا ۱۳۹۳. کتاب و سنت. ش ۵.
- ❖ رضایی اصفهانی، محمد علی، ۱۳۸۲، رویش‌ها و گرایش‌های تفسیری قرآن (منطق تفسیر قرآن) انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، اول.
- ❖ (سایت. شورای نظارت بر صداوسیما. تاریخ انتشار در سایت. ۲۳ مرداد ۱۳۹۲.
- ❖ احمدزاده کرمانی، روح‌الله. ۱۳۹۰، بازاندیشی در فرهنگ و رسانه. چاپار. تهران.
- ❖ تلویزیون در زندگی کودکان ما. اسماعیلی شاندیز، محمدرضا. ۱۳۹۱. علوم تربیتی. شماره ۸.